

فاطمه عليها السلام و افکار عمومی (جلسه دوم)

طرح دو سوال اساسی در جنگ نرم

یک سوال بسیار مهم که در جنگ نرم مطرح می شود، این است: در فضای جنگ نرم و درگیری رسانه ای، چه زمانی باید حرف زد و چه زمانی باید سکوت کرد؟ چه کسی باید حرف بزند و چه کسی باید سکوت کند؟ این دو سوال بسیار مهم است. هرکسی نباید حرف بزند و در هر زمانی هم نباید حرف زد. موضع گیری از هر کسی لزوماً گره گشا نیست و این موضع گیری در هر وقتی هم کارساز نیست. بعضی با سکوتشان کمک می کنند و بعضی با سخن گفتن.

دوستان طلبه درباره ی مراجع معظم تقلید می پرسند: موضع گیری در مباحث سیاسی داشته باشند یا نه؟ عرض کردم همیشه اینگونه نیست که از همه بخواهیم در مورد یک مسئله موضع گیری کنند. گاهی برخی اشتباه می کنند و تلقی آنها غلط است. می خواهند مراجع را به موضع گیری سوق دهند، در حالی که همیشه لازم نیست. بعضی با سکوتشان کمک می کنند. بعضی همین که موضع نمی گیرند خودش کمک است. لذا بعضی را باید دعوت کرد به اینکه موضع نگیرند. در مسائل ورود نکنند. جایگاه افراد متفاوت است. افراد متفاوت هستند. نهادهای فکری متفاوت هستند. ادبیات متفاوت است. بعضی ادبیاتشان همه فهم نیست. گاهی اگر چنین افرادی سکوت کنند بهتر است.

زمان حاضر را باید شناخت. چگونه در جنگ سخت شما باید نقشه را کشف کنی بعد بجنگی؛ در فضای جنگ نرم هم وضعیت به همین شکل است. اول باید نقشه ی دشمن کشف شود.

فرض کنید شما در یک جنگ سخت نظامی هستید. طرح دشمن این است که مثلاً فلان جا را بمب باران کند. شما تجهیزات را می آوری و از آن جا حمایت می کنی. آنگاه آن مرکز اصلی، آن مرکز تاسیسات، آن مرکز تسلیحاتت خالی می شود. به این نوع حمله، **عملیات ایدایی** یا **عملیات سریع** می گویند.

خیلی وقت ها دشمن چنین قصدی دارد. عملیات سریع دارد. یک جای دیگر را می زند تا حواست پرت شود. می خواهد جبهه را عوض کند. اولویتت را تغییر دهد تا زمین را جابجا کنی. **در این مواقع نباید جابجا شوی.** زمین را باید بگذاری و رها کنی.

دقت کنید! به عنوان مثال در این بمب گذاری ها، ابتدا یک بمب صوتی منفجر می کنند، تا مردم جمع شوند. وقتی که مردم جمع شدند تازه عملیات انتحاری را انجام می دهند و بمب اصلی را منفجر می کنند. خیلی وقت ها حمله دشمن برای اینست که افراد را در جایی که نباید جمع شوند، جمع کند. آن بمب صوتی وقتی منفجر شد، کسی نباید اعتنا کند.

اینجا همان جایی است که نباید اعتنا کرد. باید سکوت کرد. نباید موضع گرفت. یک حرفی به یک کسی می زنند تا همه بعد از او موضع گیری کنند و آن مسئله ی اصلی فراموش شود. طراحی می خواهد. نقشه مهم است.

فهم نقشه، ویژگی انسان با بصیرت

فرق آدمی که بصیرت دارد با آدم بی بصیرت اینست که نقشه را تشخیص می دهد. در بسیاری از موارد آدم ها خالص اند ولی بصیرت ندارند. نمی فهمند. نمی دانند که این الان در نقشه ی ما نیست. این الان اصلا اولویت ما نیست. این الان اصلا مسئله ی ما نیست.

برای چه ایستادی اینجا را میزنی؟ به این خاطر که صدای توپ و تفنگ شنیدی؟ اینجا الان میدان ما نیست. برای چه نیروها را هدر می دهی؟ چرا اینجا آدم ها را می سوزانی؟

در جنگ نرم، باید نقشه را تشخیص داد. اینکه طرحش چیست؟ طراحی نقشه نسبت به یک عده اینست که حرف بزنند اما عده ی دیگر نباید حرف بزنند. اگر شما را بگونه ای طراحی کرده که الان، اگر حرف بزنی خوب نیست، در اینجا باید سکوت کنی.

علت سکوت حضرت علی علیه السلام و سخن گفتن فاطمه زهرا علیها السلام

تفاوت کار امیرالمومنین علیه السلام با فاطمه ی زهرا علیها السلام همین است.

نقشه ی دشمن این بود که کاری کنند تا حضرت علی علیه السلام حرف بزند اما فاطمه علیها السلام ساکت باشد. اگر حضرت علی علیه السلام حرف می زدند، دشمن راحت می توانست دوقطبی ایجاد کند. زیرا کینه و کدورت از علی علیه السلام زیاد است. انگیزه زیاد است.

راحت می توانستند این ها را در مدینه فعال کنند. بلاخره بعضی از مردم از دست امیرالمومنین علیه السلام کم زجر نکشیدند. در جنگ ها خیلی از مردم نزدیکانشان را از دست داده بودند. بعضی اهل قریش بودند، که جنگ بدر و احد و غیره داشتند. آن ها بعد تر در فتح مکه مسلمان شدند. عده ای از مردم مادر، پدر، عمو، عمه یا دایی خود را در جنگ هایی که به فرماندهی امیرالمومنین علیه السلام بود از دست داده بودند. اقوام درجه یکشان توسط امیرالمومنین علیه السلام کشته شده بود.

در دعای ندبه دقت کنید:

قَدْ وَتَرَ فِيهِ صَنَائِدَ الْعَرَبِ وَ قَتَلَ أَبْطَالَهُمْ وَ نَاهَشَ دُؤْبَانَهُمْ فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَادًا بَدْرِيَّةً وَ خَيْبَرِيَّةً وَ حَنِينِيَّةً وَ
غَيْرَهُنَّ^۱

این کینه ها را با خودشان داشتند. طرح این بود که امیرالمومنین علیه السلام حرف بزنند و موضع بگیرند. اگر حرف می زدند دیگر تمام بود. لذا حضرت علی علیه السلام ساکت شدند.

^۱ دعای ندبه، بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۹، ص: ۱۰۶.

حال بعضی نادان ها می گویند: چرا امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ پشت درب نیامد؟

اصلاً نقشه دشمن همین بود که حضرت به پشت درب بیایند و درگیر شوند. حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ بازی را به هم ریختند. برای همین هم طرف عصبانی شد و آن ماجرا را به بار آورد.

به حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ می گفتند: تو محترم هستی. اصلاً تو نباید وارد این بازی شوی. تو باید ساکت بنشینی کنج خانه ات.

شما می دانید که تا وقتی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زنده بودند، حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ حتی برای نماز جماعت پشت سر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از خانه بیرون نمی آمدند. بعضی ها تعجب می کنند. مگر خانه ی حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ چقدر با مسجد فاصله دارد؟ مدینه رفتید؟ انشاءالله مدینه می روید و می بینید. خانه ی حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ جزئی از مسجد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. در زمان حاضر، نماز جماعت به خانه ی حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ متصل است. فاصله ی خانه ایشان تا مسجد، یک قدم بوده اما حضرت برای نماز بیرون نمی آمدند. در خانه نماز می خواندند.^۱

اولویت و ترجیح ایشان چه بود؟ در آن روایت معروف، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سوال کردند: برای زن ها چه چیزی بهتر است؟ حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ فرمودند: **(أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ)**^۲ مردها را نبینند و مردها هم آن ها را نبینند.

حضرت مشکل زنانه هم که نداشتند. در طول عمر چنین مشکلی نداشتند که بگوییم به خاطر ایام خاص، مسجد نرفتند. از این بخش های زندگی حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ نباید الگو گیری کنیم و بگوییم پس خانم ها نماز جمعه نروند، راهپیمایی نروند؟ خیر، مسائلی بوده که اکنون محل طرح آن نیست.

حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ و خطبه خوانی در مسجد

دشمنان با خود می گفتند: حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ تا به حال مسجد نیامدند و در آن جا نماز نخواندند. پس به راحتی می توانیم او را مدیریت کنیم. اما یکدفعه دیدند او به مسجد آمده و سخنرانی می کند و با این سخنرانی بازی آن ها بهم ریخت.

اصلاً طرح دیگری داشتند. نقشه این بود که فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ ساکت بماند. می گفتند کاری می کنیم که ساکت بماند. علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را به حرف می آوریم. اگر علی عَلَيْهِ السَّلَامُ حرف بزند، فضا تند می شود. رادیکال می شود. از داخل حرف های او تیترو سوزی بیرون می آوریم. یک خس و خاشاکی از داخل کلماتش بیرون می کشیم و جمعیت را به هم می ریزیم. فضا تند و حساس می شود و به جان هم می افتند.

^۱ شواهدی بر این مطلب وجود دارد. از جمله: دَخَلَ الْمَسْجِدَ وَ صَلَّى الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص ثُمَّ أَخَذَ النَّبِيُّ يَدَ عَلِيٍّ وَ انْطَلَقَا إِلَى فَاطِمَةَ وَ هِيَ فِي مَصَلَّاهَا وَ خَلْفَهَا جُنَّةٌ تَفُورُ فَلَمَّا سَمِعَتْ كَلَامَ رَسُولِ اللَّهِ ص خَرَجَتْ فَسَلَّمَتْ عَلَيْهِ وَ كَانَتْ أَعَزَّ النَّاسِ عَلَيْهِ فَرَدَّ السَّلَامَ وَ مَسَحَ بِيَدِهِ عَلَى رَأْسِهَا (بحار الأنوار) (ط - بیروت)، ج ۴۳، ص: ۲۹

^۲ وَ رَوَى عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ أَخْبِرُونِي أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ فَعَيَّنَا بِذَلِكَ كُلُّنَا حَتَّى تَفَرَّقْنَا فَرَجَعَتْ إِلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَأَخْبَرَتْهَا الَّذِي قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ ص وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِّنَّا عَلِمَهُ وَ لَا عَرَفَهُ فَقَالَتْ وَ لَكِنِّي أَعْرِفُهُ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ فَرَجَعْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَأَلْتَنَا أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ وَ خَيْرٌ لِهِنَّ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ قَالَ مَنْ أَخْبَرَكَ فَلَمْ تَعْلَمِي وَ أَنْتَ عِنْدِي قُلْتُ فَاطِمَةُ فَأَعَجَبَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ ص وَ قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي. (بحار الأنوار) (ط - بیروت)، ج ۴۳، ص: ۵۴

اما امیرالمومنین علیه السلام سکوت کرد. حضرت خیلی وقت ها سکوت می کردند. نکته ی جالب در اینست که حضرت را بگونه ای ترسیم می کنند که بعضاً فکر می کنند حضرت علی علیه السلام اول شمشیر می زدند بعد می ایستادند و صحبت می کردند. بعضی دوست دارند مدل اقتدار حضرت را اینگونه نشان دهند. حضرت بزند، اعدام کنند. ببرند. داداش! آن رضا شاه بود که اینگونه بود. اشتباه گرفتی! آن کسی که در تصور توست رضا شاه است.

من بعضی جاها مثل همین مشهد یا جاهای دیگر، درباره ی سیره ی حضرت بحث می کردم. بعضی می گفتند: تو حضرت علی علیه السلام را در ذهن ما خراب می کنی! از امیرالمومنین علیه السلام یک چهره ی ضعیف می سازی، درحالی که حضرت در ذهن ما یک شخصیت قوی است.

جواب او چیست؟ حتی خود من وقتی قرآن می خواندم با خود گفتم: چرا خداوند اینقدر حضرت هارون را ضعیف نشان می دهد؟ همیشه برای من سوال بود. حضرت موسی علیه السلام بیایند و موها و ریش های حضرت هارون را بکشند و سر او داد بزنند؟ خدایا با پیامبرت داری صحبت می کنی؟ مردم قرآن می خوانند. زشت است! بد است! شما درباره ی پیامبرت اینگونه صحبت می کنی؟

تشبیه حضرت علی علیه السلام به هارون در روایت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم

بعد در روایات دیدم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت علی علیه السلام می فرمایند: (أَنْتَ مَنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، الْآئِنَةَ لِأَنْبِيَّ بَعْدِي)^۲. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند، هر وقت در قرآن کریم از حضرت موسی علیه السلام یاد شده، منظور من هستم و هر وقت از هارون یاد شده منظور علی علیه السلام است. نقشه را بگیرد. نقشه دستتان باشد.

طرح برای هارون چه بود؟ گفتند موسی علیه السلام می رود و هارون می ماند. اما دست هارون مثل موسی علیه السلام باز نیست. آن شرایطی که موسی علیه السلام داشت را هارون ندارد. سامری را علم می کنیم. بعد هارون حرف می زند. آنگاه او را می کشیم. منتظر بودند که هارون حرف بزند. نقشه این بود. وقتی حضرت موسی علیه السلام برگشتند، هارون را توبیخ کردند. فرمودند: این چه وضعی است؟ موهایش را کشیدند. ریش هایش را کشیدند. این چه وضعی است؟ من ۱۰ روز نباشم این ها گوساله بپرستند؟ هارون چه جواب داد؟

^۱ قَالَ يَا بَنِيَّ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِحَيْثِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي. (طه، ۹۴)

^۲ حدیث مزبور در منابع متعدد تاریخی و روایی و کلامی گزارش شده است. حتی برخی دانشمندان شیعه کتابهای مستقلی درباره آن نگاشته اند، از جمله میر حامد حسین (متوفی ۱۳۰۶ هـ ق) یک جلد از مجموعه عیقات الانوار را به این حدیث اختصاص داده است. حاکم حسکانی از استادش، ابوجازم حافظ عبدوی، نقل نموده که وی حدیث منزلت را به پنج هزار سند روایت کرده است. بنا به نقل دیگری، ۸۸ نفر از مشهورترین راویان، این حدیث را نقل کرده اند. افرادی چون ابن تیمیه، عبدالحق دهلوی، گنجی شافعی، ابوالقاسم علی بن محسن تنوخی و سیوطی نیز به صحت و شهرت آن گواهی داده اند. این حدیث در صحیح بخاری و صحیح مسلم نیز آمده است. این حدیث در کتابهای دیگر اهل سنت نیز نقل شده است.

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعْجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَ أَلْقَى الْأَلْوَابَ وَ
أَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنٌ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّفُونِي وَ كَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تَشْمِتْ بِي الْأَعْدَاءَ وَ لَا تَجْعَلْنِي
مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ^١

(كَادُوا يَقْتُلُونَنِي) در جلسه عزیزان و سروران هستند. ما درس پس می دهیم. وقتی **كاد** قبل از فعل مضارع قرار بگیرد، به این معنی است که گویا همه ی مقدمات آماده است. یعنی هیچ فاصله ای ندارد. همه ی مقدمات آماده است. (كَادُوا يَقْتُلُونَنِي) یعنی همه زمینه ها برای قتل من آماده بود. منتظر بودند من یک کلمه حرف بزدم. پازل را اینگونه چیده بودند.

استدلالی که حضرت هارون می آورند موسی عَلَيْهِ السَّلَام را قانع می کند. این است که می گویند برادر، این ها اول من را ضعیف کردند و آن بزنگاه ها را از من گرفتند. یا آن آدم حسابی ها را که می توانستند حرف بزنند ساکت کردند. این جنگ نرم است. روش های آن متفاوت است. ضعیف کردن روش های مختلفی دارد. بعد منتظر بودند خود من یک کلمه حرف بزدم تا من را هم حذف کنند. من با سکوتم اوضاع را نگه داشتم. اگر حرف می زدم دیگر هیچ چیز نمی ماند. من اگر حذف می شدم نوبت به حزب الهی های پای رکاب تو می رسید. همه را حذف می کردند. می جنگیدند و از دین هیچ چیز باقی نمی ماند.

جنگ نرم در دوران امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام

اوضاع دوران امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام هم اینگونه بود. در دوران امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام شرایط به شکلی بود که مردم، حتی نفهمیدند امامشان شهید شده. اوضاع برعکس موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَام بود. ببینید! دو امام و دو واکنش کاملاً متفاوت هستند. سیره ی اهل بیت نکات عجیب و غریب زیادی دارد.

موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَام را در زندان می کشند. بعد می گویند حضرت به مرگ طبیعی از دنیا رفتند. شیعیان آمدند تا امام را ببرند و تشییع کنند. جسد امام به حرف آمد و فرمودند: من را کشتند. من به مرگ طبیعی از دنیا نرفتم.^٢ دقت کنید! امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام را با آن همه طرفدار، می کشند اما حضرت جریان را به گونه ای اداره می کنند که کسی نفهمد. حضرت به شهادت رسیدند اما همه گمان کردند به مرگ طبیعی از دنیا رفتند. عجیب است! عجیب نیست؟

نقشه دشمن در یک جا اینست که آدم را به حرفت بیاورند و در یک جا ساکت کنند.

البته می دانید در کل یک نفر با خبر شد که حضرت را کشتند، آن هم اباصلت بود. حال برای بعضی سوال است که اباصلت چه شد؟ اباصلت از همان لحظه ای که امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام را برای دفن بردند، تا یکسال و نیم بعد زندانی بود.^٣ این ماجراهایی که

^١ اعراف، ١٥٠.

^٢ فَالْتَفَتَ عَ فَقَالَ لَهُمْ أَشْهَدُوا عَلَيَّ أَنِّي مَقْتُولٌ بِالسَّمِّ مُنْذُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ (بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٤٨، ص: ٢٤٧)

^٣ فَأَمَرَ بِجَسَدِي وَ دَفَنَ الرِّضَا عَ فَجِئْتُ سَنَةً فَضَاقَ عَلَيَّ الْحَبْسُ وَ سَهَرَتِ اللَّيْلَةُ وَ دَعَوْتُ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِدُعَاءٍ ذَكَرْتُ فِيهِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ ص وَ سَأَلْتُ اللَّهَ بِحَقِّهِمْ أَنْ يُفَرِّجَ عَنِّي فَمَا اسْتَجَبَ دُعَائِي حَتَّى دَخَلَ عَلَيَّ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ع فَقَالَ لِي يَا أَبَا الصَّلْتِ ضَاقَ صَدْرُكَ فَقُلْتُ إِي وَ اللَّهُ قَالَ فَمَ فَأَخْرَجَنِي ثُمَّ ضَرَبَ يَدَهُ إِلَى الْقَيْدِ الَّتِي كَانَتْ عَلَيَّ فَفَكَهَهَا وَ أَخَذَ بِيَدِي وَ أَخْرَجَنِي مِنَ الدَّارِ وَ الْحَرَسَةِ وَ الْعِلْمَانَ بِرَوْنِي فَلَمْ يَسْتَطِيعُوا أَنْ يَكْلُمُونِي وَ خَرَجْتُ مِنْ بَابِ الدَّارِ

بعضی نقل می کنند هم نبود. خیلی از این ها را نمی دانم از کجا می آورند؟ بعضی از این روضه ها و اینکه مردم خراسان آمدند. گلباران کردند. تشییع جنازه کردند. این ماجراها چیست؟

شبانه و مخفیانه امام رضا علیه السلام را به سرداب بردند و دفن کردند. (فَتَفَرَّقَ النَّاسُ وَ غَسَّلَ أَبُو الْحَسَنِ فِي اللَّيْلِ وَ دُفِنَ) ^۱ بعد بیرون آمدند و خود مأمون اعلام عمومی کرد و ختم گرفت. (فَجَلَسَ الْمَأْمُونُ لِلتَّعْزِيَةِ) ^۲ ولیعهد ما از دنیا رفت. مردم می آمدند و به مامون تسلیت می گفتند. آقا تسلیت ولیعهدت از دنیا رفته! با اینکه مردم اگر می فهمیدند حضرت شهید شده، شورش می کردند و اگر شورش می کردند دیگر هیچ چیز از شیعه باقی نمی ماند. عمال مأمون همه را درو می کردند.

چرا رهبری سکوت کردند؟

امیرالمومنین علیه السلام سکوت کرد. ولی حضرت زهرا علیه السلام حرف زد. درست همانطور که هارون سکوت کرد ولی موسی علیه السلام حرف زد. هارون در برابر سامری سکوت کرد. وقتی حضرت موسی علیه السلام از او پرسید: چرا سکوت کردی؟ جواب داد اگر حرف می زدم همه به جان هم می افتادند. باید سکوت می کردم. ماجرا این است. پازل را باید تشخیص داد. باید فهمید که در هر موقعیت چه کاری باید انجام داد؟

مثلا یک سوال رایج این است که چرا رهبری سکوت کردند؟ چرا چیزی نمی گویند؟ چرا موضع نمی گیرند؟ چرا چند نفر از این مسئولین را تنبیه نمی کنند؟ چرا ...

جواب اینست که: اولاً این حرف ها سر و ته ندارد. این عبارت (چیزی نمی گویند) یعنی کجا نمی گویند؟ به خود مسئولین نمی گویند؟ یا در خیابان نمی گویند؟ به مسئولین که ۱۰۰ بار می گویند. خود مسئولین هم خبر می دهند. گاهی خیلی تند می گویند. پس آقا چیزی گفتند که این ها خبر می دهند. اگر منظورت اینست که چرا در تلویزیون به دوربین نگاه نمی کنند و بگویند: آن مسئول فلان فلان شده چرا کار نمی کند؟ به این دلیل است که در این صورت همان قدری هم که احتمال می رود یک مسئول کار کند همان اندازه هم از بین می رود. اگر ۱۰ درصد آن مسئول احتمال کار داشته باشد همان ۱۰ درصد هم از بین می رود. از طرف دیگر خیلی وقت ها اصلاً نقشه اینست که آقا را به حرف بیاورند.

در ماجرای برجام یادتان هست؟ مدام پیام تبریک می فرستادند. منتظر بودند آقا نظر بدهد. در آن زمان همه موافق برجام بودند. مردم در خیابان ها می زدند و میرقصیدند. دو حالت داشت: یا می فرمودند کار خوبی است. دمتان گرم. در آنصورت وقتی گندش بلند می شد، ایشان هم شریک بودند و یا اینکه می فرمودند کار خوبی نیست. اشتباه کردید. در اینصورت مردم را مقابل آقا قرار می دادند.

ثُمَّ قَالَ لِي امْرُؤٌ فِي وَدَائِعِ اللَّهِ فَإِنَّكَ لَنْ تَصِلَ إِلَيْهِ وَ لَا يَصِلُ إِلَيْكَ أَبَدًا فَقَالَ أَبُو الصَّلْتِ فَلَمَّ اتَّقَى الْمَأْمُونُ إِلَى هَذَا الْوَقْتِ. (عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص: ۲۴۵)

^۱ فَقَالَ لَهُ الْمَأْمُونُ يَا أَبَا جَعْفَرٍ أَخْرَجْ إِلَى النَّاسِ وَ أَعْلِمَهُمْ أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ لَا يُخْرَجُ الْيَوْمَ وَ كَرِهَ أَنْ يُخْرَجَهُ فَتَفَعَّ الْفِتْنَةُ فَخَرَجَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ إِلَى النَّاسِ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ تَفَرَّقُوا فَإِنَّ أَبَا الْحَسَنِ لَا يُخْرَجُ الْيَوْمَ فَتَفَرَّقَ النَّاسُ وَ غَسَّلَ أَبُو الْحَسَنِ فِي اللَّيْلِ وَ دُفِنَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ وَ حَدَّثَنِي يَاسِرٌ بِمَا لَمْ أُحِبَّ ذِكْرَهُ (بحار الأنوار ط - بيروت، ج ۴۹، ص: ۳۰۰)

^۲ بحار الأنوار ط - بيروت، ج ۴۹، ص: ۲۹۶.

نقشه را ملاحظه کنید. خیلی ظرافت و ذکاوت می خواهد. بعد شما ببینید مسئولین لشگری نامه می دادند و تبریک می گفتند! چند روز بعد رهبری فرمودند: چرا برای من نامه ی تبریک می فرستید؟ یعنی چه؟ مگر الان چه شده؟ فرمانده ی فلان جا برای رهبری نامه ی تبریک فرستاده بود.^۱ مبارکتان باشد! یا دیدید بعضی از این شیادان سیاسی به مناسبت های مختلف به رهبری تبریک می گویند؟ این همان تحریک افکار عمومی است.

رفقای مرا انداختی زندان، چه کار می خواهی بکنی؟ هر چه که می گویم تو حرف خودت را می زنی، هنوز جواب قبلی ها را ندادی.

تحریک افکار عمومی و قرار دادن یک موضوع در معرض افکار عمومی، یک شگرد است. در مقابل این شگرد یا باید حرف زد و یا باید سکوت کرد. اما در چنین فضایی اگر سکوت کنی هم ضرر است. بالاخره او تو را در شرایطی قرار می دهد که هم حرف زدن برایت خسارت باشد و هم سکوت. بازی دادن یعنی همان مظلوم واقع شدن، ولی این مدلی است.

این عمار؟

فقط هم مخصوص دوران سقیفه نبود. بعد که امیرالمومنین علیه السلام به حکومت رسیدند هم ماجرا از این قرار بود. خیلی مواقع به امثال مالک می گفتند: این موضوع را تو بگو. چرا حضرت عمار را خیلی دوست داشتند؟ یکی از ویژگی های عمار این بود که آن حرف هایی که حضرت علی علیه السلام نمی توانستند بزنند را عمار می زد. نقشه این بود که از علی علیه السلام حرف بیرون بکشند. امیرالمومنین علیه السلام نباید این نقشه را پیاده می کرد. معاویه دوست داشت علی علیه السلام یکسری حرف ها را بزند اما امیرالمومنین علیه السلام این حرف ها را نمی زد. بلکه به عمار می سپردند تا بگوید.^۲

یا در همین ماجرای مدینه. یک سری از حرف ها را حضرت نمی گفتند. سلمان می گفت. سلمان خطبه های خوبی خواند^۳ اما اصل حرف ها را حضرت زهرا علیها السلام گفتند. پس آنچه مهم است اینست که چه کسی حرف بزند؟ چه بگوید؟ در چه زمانی بگوید؟ شناخت این مطلب خیلی مهم است.

^۱ اینکه حالا تبریک میگویند، به بنده تبریک میگویند، به دیگران تبریک میگویند، بی معنی است، چه تبریکی؟ آنچه تا کنون انجام گرفته است نه اصل توافق و مذاکره‌ی منتهی به توافق را تضمین میکند، نه محتوای توافق را تضمین میکند؛ هیچ کدام را؛ حتی تضمین نمیکند که این مذاکرات تا به آخر برسد و به یک توافق منتهی بشود؛ اینکه تا الان انجام گرفته، این جوری است؛ همه چیز مربوط به بعد از این است. (بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۹۴/۱/۲۰).

^۲ فَقَالَ عَمْرُو يَا أَبَا الْيَقْظَانَ أَذَكَرَكَ اللَّهُ إِلَّا كَفَفْتَ سِلَاحَ أَهْلِ هَذَا الْعَسْكَرِ وَ حَقَنْتَ دِمَاءَهُمْ فَلَمَّا تَقَاتَلْنَا أَوْ لَسْنَا نَعْبُدُ إِلَهًا وَاحِدًا وَ نَصَلَّى [إِلَى] قِبَلْتِكُمْ وَ نَدَعُو دَعْوَتَكُمْ وَ نَقْرَأُ كِتَابَكُمْ وَ نُؤْمِنُ بِرَسُولِكُمْ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَخْرَجَهَا مِنْ فَيْكٍ أَنَّهُا لِي وَ لِأَصْحَابِي الْقِبْلَةَ وَ الدِّينَ وَ عِبَادَةَ الرَّحْمَنِ وَ النَّبِيَّ وَ الْكِتَابَ مِنْ دُونِكَ وَ دُونَ أَصْحَابِكَ وَ جَعَلَكَ ضَالًّا مُضِلًّا لَا تَعْلَمُ هَادٍ أَنْتَ أَمْ ضَالٌّ وَ جَعَلَكَ أَعْمَى وَ سَأَخْبِرُكَ عَلَى مَا قَاتَلْتِكَ عَلَيْهِ أَنْتَ وَ أَصْحَابِكَ أَمْرِي رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ كَيْفَ تَعْلَمُ وَ أَمْرِي أَنْ أَقَاتِلَ الْقَاسِطِينَ فَانْتُمْ هُمْ وَ أَمَا الْمَارْفُوقُونَ فَمَا أَدْرِي أَدْرِكُهُمْ أَمْ لَا أَنِهَا الْآبَتْرُ أَلَسْتُ تَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ لِعَلِيٍّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُ وَالْمِنْ وَالِاهُ وَ عَادَ مِنْ عَادَاهُ وَ أَنَا مَوْلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ عَلِيٌّ بَعْدَهُ وَ لَيْسَ لَكَ مَوْلَى (بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۳۳، ص: ۲۹)

^۳ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَطَبَ النَّاسُ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ بَعْدَ أَنْ دُفِنَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ بِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فَقَالَ فِيهَا: ... أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ اسْمَعُوا عَنِّي حَدِيثِي ثُمَّ اعْقِلُوهُ عَنِّي، أَلَا إِنِّي أَوْتَيْتُ عِلْمًا كَثِيرًا، فَلَوْ حَدَّثْتَكُمْ بِكُلِّ مَا أَعْلَمُ مِنْ فَضَائِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَقَالَتْ [طَائِفَةٌ مِنْكُمْ: هُوَ مَجْنُونٌ،] [وَ قَالَتْ] طَائِفَةٌ أُخْرَى: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِقَاتِلِ سَلْمَانَ. الحديث. (بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۲۹، ص: ۲۹)

چگونه بصیرت پیدا کنیم؟

آقا یک راهکار بده. از کجا بفهمیم که چه کسی و در چه زمانی باید حرف بزند؟

این حرف ها را اگر ۱۰ سال پیش می زدیم، ممکن بود یک عده بگویند به ما چه ربطی دارد؟ ما مگر کارگردان یا تهیه کننده یا فیلمساز هستیم؟ این حرف ها به ما ربطی ندارد. شاید این حرف ها ۱۰ سال پیش جا نداشت. ولی الان همه اهل رسانه هستند. در این تلگرام، اینستاگرام و توییتر، همه در حال تولیدند. الان موج دست مردم است. از اینکه رهبری هم فرمودند در فضای مجازی با شایعه مقابله کنید، معلوم شد که دیگر کار دست خود ماست.^۱ کاملاً بار را بر روی دوش مردم گذاشتند. این شگردها و مدل ها را باید همه بلد باشیم.

اصلاً کدام شایعه را باید جواب داد و کدام شایعه را نباید جواب داد؟ فرمول دارد. دشمن دوست دارد تو به بعضی از شایعه ها جواب بدهی تا آن شایعه پخش شود، در حالی که چنین شایعه ای نباید پخش می شد.

شما می توانید در مواضع خود رهبری دقت کنید. در بعضی موارد یک نفر یک کاری می کند و در همه جا پخش می شود اما رهبری سکوت می کنند و هیچ چیز نمی گویند. بر عکس در بعضی موارد می بینیم یک معلمی در یک دبیرستانی غلطی کرده و هنوز مردم باخبر نشدند، اما رهبری پیام می دهند و به رئیس قوه ی قضاییه دستور می دهند که سریع برخورد کند.^۲ دقت کنید! فرمول دارد. یک بخش این فرمول همان طراحی است، نقشه است. که اینجا حرف زدن خاصیت دارد یا نه؟

رهبری و جنگ نرم

حال جالب است، این هم از مصیبت ها است. رهبری را سانسور می کنند! مثلاً زمانی که رهبری فرمودند: من فلان جا فلان کار را کردم، اشتباه کردم.^۳ بعد دفتر رهبری که باید این را منتشر کند سانسور می کند. بعد یکی از اهل جلسه می آید و سخن رهبری را توییت می کند تازه آن موقع، دفتر رهبری می گوید شایعاتی پخش شده.

اصلاً همان جایی که سانسور کردید قضیه چه بود؟ قشنگ می شود یک کسی را لکه دار کرد. چقدر هنرمندانه یک کسی را نابود می کنند. علاوه بر آن، این سخن چقدر مهم بوده. الان فرصت نیست درباره ی آن تحلیل کنیم. سانسور کردن آن چه

^۱ از جمله ی کارهایی که مردم میتوانند انجام بدهند، مواجهه و مقابله ی با شایعه سازی دشمن است. امروز یکی از شگردهای فعال دشمن، شایعه سازی است که مردم را مضطرب کنند، مردم را با هم مخالف کنند، علیه این و آن تهمت بزنند، مردم را به جان یکدیگر بیندازند که البته چنین اتفاقی نمی افتد به توفیق الهی؛ اما آنها قصدشان این است؛ مردم باید هوشیار باشند، متوجه باشند. مردم را با کمال وقاحت به مواجهه ی با انقلاب، با نظام دعوت میکنند؛ این مردمی که نظام متکی به آنها است. اگر مردم پشتوانه ی نظام، پشتیبان نظام نبودند، این ماجرای به این اهمیت پیش نمی آمد، پیش نمی رفت؛ این قدر وقیحند که همین مردم را وادار میکنند یعنی تشویق میکنند، تحریک میکنند به مواجهه ی با نظام. مردم در مقابل این تبلیغات ایستادگی کنند، علیه این تبلیغات حرکت کنند. جوانها امروز در فضای مجازی فعالند؛ فضای مجازی میتواند ابزاری باشد برای زدن توی دهن دشمنان. (بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز قیام نوزدهم دی، ۱۳۹۷/۱۰/۱۹)

^۲ بسم الله الرحمن الرحيم. آیت الله آملی ریاست محترم قوه قضاییه. با سلام. خبر جنایت در یکی از مدارس غرب تهران موجب اندوه و تأسف شد. مقتضی است پس از محاکمه سریعاً حدود الهی را در رابطه با محکومین اجرا نمایید. سید علی خامنه ای. ۸ خرداد ۱۳۹۷.

^۳ در قضیه ی برجام، بنده اشتباه کردم اجازه دادم که وزیر خارجه ی ما با آنها صحبت کند؛ ضرر کردیم. (دیدار اقشار مختلف مردم با رهبر انقلاب، ۱۳۹۷/۵/۲۳)

حماقتی بود! چقدر آن حرف می توانست جریان ساز باشد. رهبری فرمودند من اشتباه کردم فلان کار را انجام دادم. خیلی حرف در آن هست. خیلی نکته دارد.

قبل از این که دفتر رهبری اعلام کند، شبکه من و تو این قسمت را منتشر کرد. در کانال من و تو این پیام را گذاشته بودند. کانال من و تو اینگونه است که مخاطب می تواند پایین هر مطلب لایک و دیس لایک کند. معلوم است که اکثر مخاطبان این شبکه چه کسانی هستند. وقتی این جمله ی رهبری را گذاشته بود که من فلان جا اشتباه کردم. (ببینید چقدر جالب است! فرمول را ببینید!) پایین آن مطلب مثلا ۵۰ نفر لایک کرده بودند و ۷۰۰ نفر دیس لایک کرده بودند.

رهبری فرمودند من اشتباه کردم بعد ضد انقلاب از این جمله ی رهبر عصبانی می شوند! در چنین وضعیتی دفتر رهبری سخنان را سانسور می کنند. ما الان با این چه کار کنیم! نقشه را نمی فهمند. پازل را نمی فهمند. اینکه رهبری می گویند من اشتباه کردم، با این حرف، دشمن را محدود کردند. طرف هیچ چیز نمی تواند بگوید. می گویی باب اتهام به رهبری چرا بسته است؟ بیا همین مسئله را نگاه کن. می دانید چقدر اتفاقات بعدش می افتد؟ می خواهند بگویند در کشور خفقان است. اما رهبری خودشان می گویند من اشتباه کردم.

دیگر بعد از آن چگونه می خواهی نقد کنی؟ اگر نقد کنی خودت ۳ هیچ میبازی. رهبری خودشان زمینه ی نقد را درست می کنند تا همه بفهمند که ترسی از نقد ندارند. اگر نقد کنند هم به نفع جمهوری اسلامی است. ببینید آقا چقدر قشنگ می شناسند! چقدر قشنگ تشخیص می دهند! فرزند فاطمه ی زهرا ع است. خون فاطمه ی زهرا ع در رگ های ایشان جریان دارد.

فاطمه زهرا ع و تخریب نقشه دشمن

فاطمه ی زهرا ع زمین را تعریف می کنند. دشمن می گوید بیا فلان جا دعوا کنیم. اما فاطمه ع می فرماید بیا سر فدک بحث کنیم. جواب بدهید که با چه استدلالی فدک را گرفتید؟ آن ها می گویند: اصلا دعوای ما سر این نیست. دعوای ما سر این است که علی ع جوان است.

دقت کنید! زمین یک زمین دیگر است. افکار عمومی هم کاملا پذیرفته است. یکی نفر داریم که ۳۰ سالش است و یکی ۷۰ ساله. کدام یک تجربه ی بیشتری دارد؟ می بینید؟ افکار عمومی را به زمین خودش آورده. همه هم می گویند: راست می گوید. این تعبیر را در روایات دیدم. بعضی از آدم های خیلی موجه، به امیرالمومنین ع گفتند حالا این ها هم راست می گویند. شما جوان هستی. دور بعد انشاء الله می آیی. الکی دعوا راه نیانداز. این سن و سالش زیاد است. می افتد و می میرد. تو هم جوانی. بگذار حکومت چند سالی دست این ها باشد تا فتنه بخوابد. سر و صداها بخوابد.^۱

^۱ فَقَامَ أَبُو عُبَيْدَةَ إِلَى عَلِيٍّ فَقَالَ يَا ابْنَ عَمِّ لَسْنَا نَدْفَعُ قَرَابَتَكَ وَ لَا سَابِقَتَكَ وَ لَا عِلْمَكَ وَ لَا نَصْرَتَكَ وَ لَكِنَّكَ حَدَّثَ السَّنَّ وَ كَانَ لِعَلِيٍّ عَ يَوْمَئِذٍ ثَلَاثٌ وَ ثَلَاثُونَ سَنَةً وَ أَبُو بَكْرٍ شَيْخٌ مِنْ مَشَايِخِ قَوْمِكَ وَ هُوَ أَحْمَلُ لِقَلِّ هَذَا الْأَمْرِ وَ قَدْ مَضَى الْأَمْرُ بِمَا فِيهِ فَسَلِّمْ لَهُ فَإِنَّ عَمْرَكَ اللَّهُ لَسَلِّمُوا هَذَا الْأَمْرَ إِلَيْكَ وَ لَا يَخْتَلِفُ عَلَيْكَ أَثْنَانٌ بَعْدَ هَذَا إِلَّا وَ أَنْتَ بِهِ خَلِيقٌ وَ لَهُ حَقِيقٌ وَ لَا تَبْعَتِ الْفِتْنَةَ قَبْلَ أَوَانِ الْفِتْنَةِ قَدْ عَرَفْتَ مَا فِي قُلُوبِ الْعَرَبِ وَ غَيْرِهِمْ عَلَيْكَ (بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۲۸، ص:

بعضی ها نفهم هستند. تشخیص نمی دهند. اصلاً نمی فهمند ماجرا چیست؟ دشمن دو قطبی را بین علی جوان و بی تجربه و فلانی سالخورده و با تجربه قرار می دهد. ولی فاطمه ی زهرا عَلَيْهَا دوقطبی را عوض می کنند. چرا دو قطبی سر این نباشد که علی عَلَيْهِ عالم به قرآن است و فلانی جاهل. چقدر قشنگ است!

بعد حضرت زهرا عَلَيْهَا فرمود این که گفتمی خلاف قرآن است. این سخن را از کجا گفتمی؟ پدر من به تو گفته ما انبیا ارث نمی گذاریم؟ پدر من چیزی به تو گفته در حالی که به من (که دخترش بودم) نگفته؟^۱ چقدر قشنگ افکار عمومی را مدیریت می کنند! چقدر شفاف، محسوس و ملموس سخن می گویند! ما بودیم چه می کردیم؟

شواهد نشان می دهد تو با سفارت اسرائیل در ارتباطی. دختر شما سه هفته پیش با فلان یهودی چه دیداری داشته؟ بعضی از روزنامه ها و مقالات، بعضی تیتراها، دائماً ختم به سفارت انگلیس و آمریکا می شود. ملموس سازی این ها در این حد است. می گویند: ببینید فلانی با چه کسی دیدار کرده!

چرا یک عده سطح فکر مردم را نابود می کنند؟ از حضرت زهرا عَلَيْهَا یاد بگیرید. پازل را چگونه تعریف می کنند؟ می فرمایند مگر شما قرار نیست خلیفه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ باشید؟ خلیفه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ کسی است که حرف پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را بداند. این حرف هایی که در مورد ارث می زنید را پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ کجا فرمودند؟ (حالا چقدر قشنگ! یک وقت ادعاست. اما یک وقت به طور ملموس برای مردم جا می افتد.) شما به عنوان خلیفه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ این حرف را می زنید؟ این حرفی که شما زدید خلاف قرآن است. می شود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ یک حرف خلاف قرآن بزند؟ قرآن می گوید انبیا ارث می گذارند. شما می گویی پدر من فرموده ما انبیا ارث نمی گذاریم؟ مگر می شود پدر من خلاف قرآن حرف بزند؟^۲

بعد حضرت زهرا عَلَيْهَا می فرمایند: تو که سواد قرآنی نداری می خواهی خلیفه ی پیامبر شوی؟ اصلاً دوقطبی برمی گردد در مورد این مطلب که تو اصلاً صلاحیت داری خلیفه ی پیامبر شوی؟

چقدر شفاف و ملموس موضع را عوض می کنند! پس اینکه چه زمانی حرف بزنی و در کدام زمینه حرف بزنی مهم است.

نقشه جنگ نرم در مورد حجاب

من به مسئولین دانشگاه می گفتم: بنده در دانشگاه بابت حجاب به کسی تذکر نمی دهم. درباره ی حجاب سخنرانی می کنم، ولی تذکر نمی دهم. یک عده هم ناراحت می شوند. بعضی از اساتید دانشگاه به ما اعتراض می کردند. می گفتند: شما یک

۱ یا ابن ابی قحافه، ا فی کتاب الله ان توث اباک و لا ارث ابی؟! لقد جئت شیئاً فریباً افعلی عمدتکم کتاب الله و نبدتموه وراء ظهورکم إذ یقول: و ورت سلیمان داود؟! و قال فیما اقتص من خبر یحیی بن زکریا (ع) إذ قال: رب هب لی من لدنک ولیاً یرثنی و یرث من آل یعقوب، و قال: و اولوا الارحام بعضهم اولى ببعض فی کتاب الله، و قال: یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین، و قال: ان ترک خیراً الوصیة للوالدین و الاقربین بالمعروف حقاً علی المتقین، و زعمتم الا حظوة لی و لا ارث من ابی و لا رجم بیننا، ا فخصکم الله بایة اخرج منها ابی (ص)؟! ام هل تقولون اهل ملتین لا يتوارثان؟!، ا و لست انا و ابی من اهل مله واحده؟! ام انتم اعلم بخصوص القرآن و عمومہ من ابی و ابن عمی؟! (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۹، ص: ۲۲۶)

۲ همان.

سخنرانی محکم درباره ی حجاب نکردی. چند جمله برای حجاب به ما بده تا به در و دیوار دانشگاه بزنی. گفتم بنده این کار را نمی کنم.

اولا که اگر درباره ی حجاب سخنرانی کنم، بحث فقهی نمی کنم بلکه بحث فلسفی و استدلال روانشناسی می کنم. ثانيا من درباره ی حجاب تذکر نمی دهم. زیرا زمین را شخص دیگری تعریف کرده. می خواهد کارکرد آخوند را در حد تذکر درباره ی حجاب پایین بیاورد. من نمی گذارم در این زمینه بازی را ببرد. اگر می خواهید تذکر بدهید به بچه های حزب اللهی بسپارید. آن ها تذکر بدهند. من تذکر نمی دهم. وقتی برای من کار ویژه ای تعریف کرده، چرا من باید به آن کار ویژه عمل کنم؟ می خواهد تصویر سازی هم بکند. منتظرند یک آخوندی در مترو به یک مویی تذکر بدهد. نقشه را از پیش بسته اند.

خاطره

تابستان بود. رفته بودیم بازار. رفقا گفتند ما از این کشتی های دریایی هماهنگ می کنیم. گفتند فضا خودمانی است! رفتیم و دیدیم فضا خیلی خودمانی است! بعد که داخل کشتی شدیم دیدیم فضا بیشتر خودمانی است! رفتیم روی عرشه ی کشتی و نشستیم. ما هم با لباس طلبگی و خانواده بودیم. جمعیتی آن پشت بودند. وقتی به وسط دریا رسیدیم، روسری ها را برداشتند. آهنگ ها را با اسپیکر پخش کردند و زدند و رقصیدند. برعکس همان ایامی بود که آیت الله جوادی رحمته الله علیه فرموده بودند: مردم یک وقت ممکن است شورش کنند و ما را توی دریا بیاندازند. ما هم روی دریا بودیم! به رفقا گفتیم الان صحبت آیت الله جوادی رحمته الله علیه پیاده می شود! دیدیم یکی با دوربین روشن و روسری برداشته شده می آمد جلوی ما رژه می رفت. نقشه است. آدم باید بفهمد. یکی از همراهان ما تذکر داد و من هم آنطرف بودم. حواسم نبود که او می خواهد تذکر بدهد. از صدای دعوا حواسم جمع شد. برگشتم. گفتم چرا کتک کاری می کنند؟ منتظر بودند که من چیزی بگویم تا همه سر من بزنند. من سکوت کردم و فضا را آرام کردم. نقشه را باید ببینی. الان ممکن است یکی بگوید چه آقای بی دین و فاسقی! شما اصلا به این مسئله تذکر ندادی؟

فرمول نقشه ی جنگ نرم

فرمول چیست؟ چه کسی باید حرف بزند؟ و چه زمانی باید حرف بزند؟

مسئله ، مسئله ای است که به آن مبتلا هستیم. بحث کشف تاریخی نمی کنیم. بحث روز ماست. من و شما همین الان با آن مواجه هستیم. من و شمای حزب اللهی نباید در کار ویژه ای که برای ما تعریف کرده اند قرار بگیریم. می خواهند آدم حزب اللهی را بگونه ای نشان دهند که همه ی دغدغه ی او حجاب است. البته دغدغه ی حجاب داریم. ما مثل بعضی نیستیم که همواره دوقطبی درست کنیم! مثلا می گویند اگر یک بچه ای سیلی خورد نباید تذکر داد. زیرا اختلاس مهمتر است یا زدن به گوش بچه؟ خب این چه ربطی دارد؟ هر چیز جای خودش را دارد. همه چیز با حل اختلاس درست نمی شود. این هم منکر است. این هم اشتباه است.

یک وقت دشمن می خواهد تو را در این سطح تعریف کند. می خواهد بگوید این سطح فهمش همین قدر است. نباید اجازه بدهی که فقط در این فضا تعریف کنند.

می خواستند بگویند امیرالمومنین علیه السلام به خاطر حکومت خودش عصبانی شده. به خاطر ریاست خودش عصبانی شده. تا حالا هم اگر دیدید این همه رزمندگی و دلاوری داشته، همه بخاطر ریاست بوده. دشمن منتظر بود علی علیه السلام حرف بزند تا بگوید آهان دیدی یک عمر دنبال ریاست بوده!

در این فضایی که دشمن بازی را تعریف می کند، علی علیه السلام بازی را به هم ریخت. علی علیه السلام سکوت کرد و فاطمه ی زهرا علیها السلام حرف زد. فاطمه ی زهرا علیها السلام که دنبال ریاست نبود. نمی توانست دنبال ریاست باشد. در مورد فاطمه علیها السلام چه می خواستند بگویند؟ اصلا بازی به هم ریخت. عصبانی شدند.

روایت امام جواد علیه السلام

فرمولش چیست؟ یک روایت از امام جواد علیه السلام داریم. این روایت عالیست. بسیار کاربردی است. جواب های زیادی دارد. فرمول از داخل آن بیرون می آید.

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ الْجَوَادُ ع: مَنْ أَطَاعَ هَوَاهُ أُعْطِيَ عَدُوَّهُ مَنَاهُ^۱

کسی که حرف هوای نفس را گوش کند، دشمن را به هدف رسانده است.

دشمن بیرونی از جنس دشمن درونی است. دشمن بیرونی که مخالف حق است از جنس همان دشمن درونی است که آن هم مخالف حق است. دشمن درونی که مخالف حق است، چه کسی است؟ هوای نفس.

دشمن بیرونی هم از جنس هوای نفس است. هر دو با حق مشکل دارند. هر زمان حرف دشمن درونی را گوش کردی دشمن بیرونی موفق می شود.

سکوت با برنامه یا از روی ترس؟

پس فرق وجود دارد. یک وقت آدم سکوت می کند تا اعتبارش را از دست ندهد. سکوت می کند تا چند نفر علیه او حرف نزنند. یک بزرگواری حرف می زند. اما همین قدر که چند کامنت فحش برای او می رود مواضع ایشان عوض می گردد! یک نفر در عرصه ی سیاست، یک جا سخنرانی کرد بعد چند فحش به او دادند. او برگشت و به شهر خودش، قم یا هر جای دیگر رفت و اصلا دیگر لام تا کام حرف نزد. بزرگوار چند فحش شنید و روح لطیفش آزرده شد. همین است دیگر. در جنگ نرم ممکن است بدتر از این ها پیش بیاید. کتک دارد. توهین دارد. حذف فیزیکی دارد. قتل و غارت دارد. تبعید دارد. کدام امام را دیدی که از این ها مصون باشد؟

یک نفر می گفت: حاج آقا اگر یک شب در بازداشتگاه بخوابی آنوقت معنای انتقاد را می فهمی! خیلی ها اینگونه بودند. همان زمان شاه، شهید بهشتی گفته بود: بعضی از انقلابی ها را داشتیم که اعلامیه پخش می کردند. آن ها را یک شب دستگیر کردند و فقط به آن ها سیگار نرساندند. او تمام رفیق های انقلابی اش را لو داد! یک شب به او سیگار نرسید!

^۱ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۵، ص: ۳۶۳.

ظرفیت ها پایین است. دوتا فحش شنیده، قید همه چیز را می زند. یک بار آدم را با یک فحش trend کنند یا چند عکس درست کنند یا چند تهمت بزنند یا اینکه چند نفر برای موضوع بگیرند، پدردت در می آید. سکوت در این جا فایده ای ندارد. یک مرتبه هوای نفست می گوید حرف بزن. از خودت دفاع کن. موضع بگیر. اما وقت دیگر می گوید ساکت باش. عافیت طلب باش. حرمتت را حفظ کن. شأنت را حفظ کن.

فرمولش را دیدید؟ فرمولش وابسته به هوای نفس است.

حضرت زهرا علیها السلام از همه تقاضای موضع گیری داشتند.

یکی از مواردی که حضرت زهرا علیها السلام به آن اصرار داشتند، این بود که همه موضع بگیرند. البته می دانید از خود امیرالمومنین علیه السلام هم خواسته بودند که علی جان حرف بزن.

وقتی حضرت علی علیه السلام از مسجد برگشتند، حضرت زهرا علیها السلام به ایشان فرمودند:

قَلِمًا اسْتَقَرَّتْ بِهَا الدَّارُ، قَالَتْ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْكَ السَّلَامُ اشْتَمَلَتْ شَمْلَةَ الْجَنِينِ، وَ قَعَدَتْ حَجْرَةَ الظَّنِينِ^۱

چرا مانند جنین که در رحم مادر می نشیند، کنج خانه نشسته ای و زانو بغل گرفتی؟

جواب امیرالمومنین علیه السلام هم جوابی است که جریان را برای همه روشن می کند. زیرا حضرت زهرا علیها السلام که توجیه بودند. نقل می کنند صدای اذان می آمد. امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: فاطمه جان این صدای اذان را می شنوی؟ جواب دادند: بله. حضرت فرمودند: اگر من بیرون بروم، این صدای اذان باقی نمی ماند.^۲ می خواهی بروم درگیر شوم تا جنگ داخلی شروع شود؟ از بیرون مرزها هم آماده اند که هجوم بیاورند و همه را درو کنند. بروم؟ فرمودند: نه علی جان من این را نمی خواهم. بعد امیرالمومنین علیه السلام فرمودند صبر کن، به خاطر خدا صبر کن.

پس حضرت زهرا علیها السلام حتی از امیرالمومنین علیه السلام هم خواستند تا موضع بگیرند. از عوام هم خواستند. از خواص هم خواستند.

توبیخ حضرت زهرا علیها السلام نسبت به عوام

در همان خطبه ی فدکیه از عوام خواستند. حرفی که فاطمه ی زهرا علیها السلام زد این بود:

قَالَتْفَتَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ النَّاسَ وَ قَالَتْ: مَعَاشَرَ النَّاسِ! الْمُسْرَعَةَ إِلَى قَيْلِ الْبَاطِلِ، الْمُغْضِيَةَ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ
أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْفُرَانَ أَمْ عَلَى قُلُوبِ أَقْفَالِهَا، كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ، مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَ أَبْصَارِكُمْ،
وَ لَيْسَ مَا تَأَوَّلْتُمْ^۳

^۱بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۹، ص: ۲۳۴

^۲ وَ رَوَى ابْنُ أَبِي الْحَدِيدِ أَيْضاً أَنَّ فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا حَرَضَتْهُ يَوْمًا عَلَى النَّهْوِضِ وَ الْوُثُوبِ، فَسَمِعَ صَوْتَ الْمُؤَدِّنِ: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَقَالَ لَهَا: أَيْسُرُكَ زَوَالُ هَذَا النَّدَاءِ مِنَ الْأَرْضِ؟! قَالَتْ: نَأ. قَالَ: فَإِنَّهُ مَا أَقُولُ لَكَ. (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۹، ص: ۶۲۵)

^۳بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۹، ص: ۲۳۲

اول یک گفت و گویی با ابوبکر کردند که تو چرا چنین و چنان کردی؟ بعد که حرفشان تمام شد، رو به مردم کردند. ببینید! افکار عمومی این است. با افکار عمومی کار داریم. یک زن. یک زن ۱۸ ساله بیاید با عموم مردم اینگونه حرف بزند! خیلی جرات می خواهد. فرمودند:

(مَعَاشِرَ النَّاسِ! الْمُسْرِعَةَ إِلَى قَبْلِ الْبَاطِلِ، الْمُغْضِيَةَ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ)^۱

آهای ملت مسلمانی که تا یک حرف چرتی مطرح می شود همه به سمت آن می دوید. وقتی هم که یک نفر خیانت می کند چشمتان را می بندید. شما را چه شده؟ چه مرگتان است؟

(كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ، مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَ أَبْصَارِكُمْ)^۲ چشم و گوش برای شما نگذاشتند. چرا حرف نمی زنید؟ چند بار حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ در آن خطبه خطاب می کنند: (اعلموا أنّي فاطمة) مگر من را نمی شناسید؟ ۳ یا ۴ بار می گویند. معلوم است که قصد ایشان معرفی کردن نیست. بلکه می خواستند بفرمایند: حواستان هست؟ من دختر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستم. چند روز بگذرد بعد هجوم بشود و هیچکس هم صدایش در نیاید؟ انگار نه انگار؟ دو نفر آدم حسابی پیدا نشود که حرفی بزند؟ داد بزند؟ این برای عموم مردم.

توبیخ حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ نسبت به خواص

با خواص چه کردند؟ سلیم بن قیس نقل می کند:

(این کتاب سلیم بن قیس را بخوانید. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: کسی که این کتاب را در خانه اش نداشته باشد شیعه ی ما نیست.^۳ سلیم بن قیس یکی از اصحاب امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ است و روایات دست اول را نقل کرده است. دو جلد است. آن را ترجمه هم کرده اند. نام آن (أسرار آل محمد عليهم السلام / ترجمه کتاب سلیم) است. کتاب خیلی خوبی است.)

(قَلَمًا كَانَ اللَّيْلُ حَمَلًا عَلَيَّ عِ فَاطِمَةَ ع وَ أَخَذَ بِيَدَيِ ابْنَيْهِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ع فَلَمْ يَدَعْ أَحَدًا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)^۴ حضرت را شبانه دفن کردند و به احدی از اصحاب رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خبر ندادند. ببینید! کوتاه نیامدند.

چقدر اینگونه ایم؟ حالا از فتنه ی خانوادگی گرفته تا فتنه ی سیاسی. گاهی در فضای خانوادگی، می توانید با دو نفر حرف بزنید و بسیاری از مسائل را حل کنید. می گوید من نمی خواهم اعتبارم را خرج کنم. نمی دانم این اعتبارها را بعضی در کدام قبرستان شریف و مبارکی نگه می دارند؟

التماس دعا

^۱ همان.

^۲ همان.

^۳ قال الإمام جعفر بن محمد الصادق عليه السلام: «من لم يكن عنده من شيعتنا و محبينا كتاب سلیم بن قيس الهملائي فليس عنده من امرنا شيء و لا يعلم من اسبابنا شيئاً، و هو أبجد الشيعة و هو سر من اسرار آل محمد عليه السلام». (کتاب سلیم بن قیس الهملائی، ج ۱، ص: ۹۴)

^۴ کتاب سلیم بن قیس الهملائی، ج ۲، ص: ۵۸۳

